

بررسی تأثیر مکتب نگارگری هرات تیموری و سبک بهزاد بر هنر اوایل عهد صفوی

(۹۵۰-۹۰۷ ه. ق)

علی اکبر جعفری^۱

شهناز عرب صالحی نصرآبادی^۲

چکیده

یکی از ادوار درخشان تاریخ ایران پس از حمله اعراب به این کشور، که به پایه گذاری حکومتی ملی و منسجم انجامید، حکومت صفویه بوده است. ایران در دوران حکومت این خاندان، یکی از درخشانترین ادوار خود را در زمینه‌های مختلف، از جمله هنر طی کرد. نگارگری به عنوان شاخه‌ای از هنرهای تجسمی در این دوران به اوج پیشرفت و ترقی خود رسید و این در حالی بود که این هنر در دوران تیموری و به ویژه در مکتب هرات تیموری، دوران درخشانی را تجربه کرده بود. پس از فروپاشی حکومت تیموریان، مکتب هرات آن تا حدودی رونق خود را از دست داد. با این وجود تا اواسط حکومت صفوی همچنان به حیات هنری خود ادامه داد، اما به دلیل اینکه نگارگران آن به شهرها و کشورهای دیگر مهاجرت کردند و از طرف دیگر مکتب تبریز صفوی در این دوران درخشش بسیاری پیدا کرده بود، چندان مورد توجه قرار نگرفته و منابع مختلف نیز از آن یاد نکرده‌اند. با این وجود چنین پنداشته می‌شود که مکتب هرات در دوره صفوی تا دهه پنجاه قرن دهم هجری به حیات خود ادامه داده و دستاوردهایی داشته و هنرمندانی در آن فعالیت داشته‌اند. هدف از انجام این پژوهش بررسی وضعیت نگارگری در مکتب هرات پس از انقراض حکومت تیموریان و در دوره صفوی می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به این سؤالات است::

۱. آیا نگارگری در هرات پس از تیموریان و هرات اوایل عصر صفوی (۹۰۷-۹۵۰ ه. ق) را می‌توان به

عنوان مکتبی هنری نامید یا نه؟

۲. نگارگری در هرات عصر صفوی چه ویژگی‌ها و آثار و نگارگرانی را در درون خود پرورش داده است؟

واژه‌های کلیدی: نگارگری، مکتب هنری، صفویه، هرات، تیموریان.

^۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان a.jafari2348@yahoo.com

^۲. کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه اصفهان sahnaz.salehi68@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۵



مقدمه:

حکومت تیموریان پس از مرگ سلطان حسین بایقرا روبه نابودی و انقراض گذاشت و در سال ۹۱۱ ه.ق با حمله ازبکان و تسخیر شهر هرات به دست این قوم مهاجم به طورکلی از بین رفت و جای خود را به حکومت‌های جدید داد. در همین ایام در غرب ایران حکومت جدید و تازه نفسی در حال شکل‌گیری بود. این حکومت که توسط شاه اسماعیل صفوی بنیان گذاشته شد، در طی مدت اندکی توانست تمامی ایران را تحت تسلط خود درآورده و در سال ۹۰۷ ه.ق عملاً حکومت خود را پایه‌گذاری کند. حکومت جدید با گرایش خود به مذهب تشیع باعث ایجاد تغییر و تحولات بسیاری در ایران و فرهنگ ایرانی شد که تأثیر آن را در بسیاری از وجوه این حکومت می‌توان مشاهده کرد. شاه اسماعیل پس از تسخیر بسیاری از مناطق قلمرو تیموری متوجه هرات، تختگاه تیموریان شد که اکنون در دست ازبکان قرار داشت. پس از تسخیر این شهر شاه اسماعیل بسیاری از هنرمندان این مکتب را به تبریز، مرکز حکومت خود انتقال داد. در این میان برخی هنرمندان نیز به بخارا مهاجرت کرده و عده‌ای نیز همچنان در شهر هرات باقی ماندند. هرات که در زمان تیموریان به ویژه در زمینه‌ی هنر و از جمله نگارگری رونق بسیاری داشت، در این زمان با کوچ داده شدن بسیاری از هنرمندان آن، رونق خود را از دست داد، ولی با این وجود حیات هنری خود را تا حدودی حفظ کرد و به طور کلی از بین نرفت. نگارگری به ویژه در این زمان تا حدودی رواج داشت اما، به دلیل رونق بسیار این هنر در تبریز، پایتخت صفویان، به آن توجه چندانی نمی‌شد و تا حدودی ناشناخته مانده است. اما اینکه آیا بتوان نگارگری که در دوران صفوی در هرات رواج داشته است را به عنوان مکتبی هنری نامید یا نه، از جمله اهداف این پژوهش می‌باشد از طرف دیگر این پژوهش سعی در بررسی هنر نگارگری پس از انقراض تیموریان و در زمان حکومت شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب صفوی در هرات دارد.

درخصوص مکتب نگارگری هرات در دوره صفویان و به ویژه در دوران شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب تا به حال پژوهش کامل و جامعی صورت نگرفته است و در منابع و کتب گوناگون به صورت بسیار مختصر به آن اشاره شده است به گونه‌ای که حتی بسیاری از جریانات درباره این موضوع حتی در آن زمان مورد بی‌توجهی قرار گرفته و مطالب بسیار مختصر و مبهمی در این باره وجود دارد، از جمله در کتاب «نقاشی ایران از دیرباز تا امروز» نوشته رویین پاکباز اشاره‌های مختصری به وضعیت هنر نگارگری در شهر هرات پس از انقراض تیموریان و در دوران صفویان دارد. همچنین در مقاله «چگونگی پارادایم شدن مکتب هرات» نوشته محسن حسن پور اشاره‌های بسیار مختصری به موضوع مورد بحث این مقاله دارد.



هرات در دوران تیموریان

سرزمین خراسان از دوران باستان همواره یکی از چهار بخش بزرگ ایران محسوب شده و بسیاری از تحولات ایران به‌ویژه قبل از حمله‌ی مغولان به این سرزمین، در این منطقه صورت می‌پذیرفته و در دوره‌های مختلف به‌عنوان تخت گاه بسیاری از پادشاهان قرار می‌گرفته است. این منطقه‌ی پهناور دارای شهرهای مهمی بوده که یکی از آن‌ها شهر هرات است. هرات در اکثر دوره‌های تاریخی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای خراسان شناخته شده است، اما یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی خود و اوج شکوفایی و زیبایی خود را در دوره‌ی تیموریان طی کرد (میر جعفری، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

هرات از جمله تختگاه‌های بزرگ تیموریان بود که در زمان شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق) و بایسنقر میرزا (۸۱۸-۸۳۷ ه.ق) شکوفا شد و در زمان سلطان حسین بایقرا، چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ هنری، به بار نشست. کارگاه بزرگ بایسنقر میرزا و پس از آن کارگاه و کتابخانه بزرگ سلطان حسین بایقرا مراکز بزرگ تولید نسخه‌های خطی و نگاره‌های با ارزش بودند که دستاوردهایی چون شاهنامه بایسنقری را به وجود آوردند و پس از آن هنرمند بزرگی چون بهزاد را در درون خود پرورش دادند. بایسنقر میرزا پس از اینکه فرمان حکومت هرات را از شاهرخ دریافت کرد کارگاه بزرگی در آن برپا کرد (پاکباز، ۱۳۸۷: ۷۳) نگارگری هرات در زمان بایسنقر میرزا در ادامه مکتب شیراز آن زمان، به یک سبک قانونمند و رسمی دست یافت که نمود آن در نگاره‌های اثری چون شاهنامه بایسنقری پدیدار شد. اما اوج نگارگری مکتب هرات در دوران حکومت سلطان حسین بایقرا رخ داد.

در دربار این پادشاه بود که شخصیتی توانمند چون بهزاد که سرآمد مصوران نامدار و استاد نادره کار و «مظهر بدایع الصور و مظهر نوادر هنر» (خواندمیر، ج ۴، ۱۳۳۳: ۳۶۲، ۴، افندی، ۱۳۶۹: ۱۰۴ و اسکندربیگ ترکمان، ج ۱، ۱۳۳۴: ۱۷۵) بود، پا به عرصه ظهور نهاد و تغییراتی اساسی و بسیار زیبا در این هنر به وجود آورد که باعث ماندگاری نام او در تاریخ هنر نگارگری شد. بهزاد از میراث گذشتگان و به خصوص دستاوردهای دو استاد معاصرش (روح الله میرک خراسانی و مولانا ولی الله) به خوبی بهره‌مند شد و سبکی را در نگارگری آفرید که به بیانی دیگر می‌توان آن را سبک و یا مکتب بهزاد دانست. بهزاد در خلال یک دهه چنان تحولی در سنت نگارگری به وجود آورد که تا آن زمان کسی به اندازه او در تاریخ هنر نگارگری این چنین تأثیرگذار نبوده است و این تأثیر چه در زمان حیات و چه در زمان مماتش وجود داشت. (رابینسون، ۱۳۶۷: ۴۹) تولید نسخه‌های خطی با نگاره‌های بسیار نفیس در این دوران چنان رونق داشت که این دوران به لحاظ هنری و همچنین علمی به رنسانس شرق شهرت یافت.



مکتب نگارگری هرات تیموری با بهزاد به اوج خود رسید و شاگردان زیادی تحت تعلیم او درآمده و به پیروی از استاد خود آثار زیبا و گران‌بهایی را آفریدند. شکل ۱، از نگاره‌های بهزاد استاد برجسته‌ی مکتب هرات تیموری و متعلق به این دوران می‌باشد. مکتب نگارگری هرات با حمایت‌های سلطان حسین بایقرا و وزیر کاردانش، امیرعلیشیر نوایی و با هنرمندان برجسته‌ای چون بهزاد و قاسمعلی و محمود مذهب و بسیاری کسان دیگر به اوج خود رسید و این اوج تا پایان حکومت تیموری و افول این حکومت، همچنان باقی بود تا اینکه اصول و سنت‌های آن به مکاتب دیگر انتقال یافت. (آریان، ۱۳۸۲: ۳۸)

وضعیت مکتب نگارگری هرات پس از انقراض تیموریان

شهر هرات در سال ۹۱۳ ه.ق، دو سال پس از مرگ سلطان حسین بایقرا توسط شیبک خان ازبک سقوط کرد. ازبک‌ها که از اعقاب جوجی پسر ارشد چنگیز خان مغول بودند، به رهبری شیبک خان یا شیبانی خان ازبک، هم‌زمان با ضعف تیموریان قدرت یافتند و در مدت اندکی موفق به تصرف و استیلا بر ماوراءالنهر شدند. (نوایی، ۱۳۸۹: ۷۸) پس از تصرف و غارت شهر هرات به دست ازبکان در سال ۹۱۳ ه.ق، و سقوط حکومت تیموریان، هرات که طی حملات ازبکان به‌کلی ویران‌شده بود، ظاهراً مرکزیت هنری خود را در نقاشی از دست داد و بسیاری از هنرمندان نگارگر هرات این شهر را ترک گفتند. بر اثر این جنگ‌ها بخش بزرگی از میراث هنری از بین رفت تا آنجا که خراسان وضعیت پیشین خود را که پیشوایی فرهنگ و تمدن بود، از دست داد. (شایسته فر، ۱۳۷۸: ۴۹) شیبانی خان به پیروی از رویه‌ی نیاکان مغولی خود، تعداد زیادی از هنرمندان و صنعتگران را با خود برد و در بخارا اسکان داد. در سال ۹۱۶ ه.ق و با مرگ محمد شیبانی خان ازبک، افرادی که سبک بهزاد را در خراسان پیروی می‌کردند، به بخارا انتقال داده شدند و بنابراین سبک هرات در بخارا ظاهر شد. (کنبای، ۱۳۸۷: ۷۶)

به‌طورکلی می‌توان چنین گفت که هنرمندان نگارگر مکتب هرات پس از تصرف این شهر و سقوط حکومت تیموری، سه مرکز را برای ادامه فعالیت‌های هنری خود در نظر گرفتند: ۱- عده‌ای در هرات باقی ماندند و همچنان در آن شهر فعالیت‌های هنری خود را پیگیری کردند. ۲- عده‌ای مانند محمود مذهب، به شهر بخارا رفته و در مکتب نگارگری بخارا و تحت حمایت شیبانیان به فعالیت پرداختند. ۳- گروهی به حشهر تبریز انتقال داده شدند و در آن مکتب هنر خود را ارائه و به کمال رساندند. این گروه کسانی بودند که مانند بهزاد و برخی شاگردانش در ابتدا مدتی همچنان در هرات باقی ماندند و پس از آن به تبریز انتقال داده شدند. (کونل، ۱۳۷۸: ۹۶)



دسته‌ی اول از هنرمندان پس از تصرف هرات به دست شیپانیان، کسانی بودند که همچنان در آن شهر باقی‌مانده و به فعالیت خود ادامه دادند. از جمله‌ی این نگارگران بهزاد و برخی از شاگردان او بودند که تا انتقالشان توسط شاه اسماعیل به تبریز، همچنان در هرات باقی ماندند. (آریان، ۱۳۸۲: ۳۲) در میان این هنرمندان آن‌هایی که هنوز در هرات باقی ماندند، میرک، سرپرست و رئیس کتابخانه‌ی سلطان حسین بود که در سال ۹۱۳ هجری قمری در هرات فوت کرد. زمانی که شاه اسماعیل صفوی در غرب ایران قدرت یافت و مرکز هنری ایران به غرب یعنی تبریز انتقال یافت، همچنان تا مدت‌ها هرات، به عنوان مرکز هنری، توسط بهزاد و پس از آن توسط برخی از شاگردان بهزاد به فعالیت‌های هنری خود ادامه داد و تأثیر سبک بهزاد همچنان به عنوان شیوه‌ی هنری مسلط، در کارگاه هنری و نگاره‌های ساخت هنرمندان این شهر تداوم داشت. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۷۹)

همان‌طور که قبلاً گفته شد، در سال ۹۱۳ ه.ق هرات توسط محمد شیپانی خان تصرف شد و پس از آن به مدت سه سال در دست شیپانیان بود. در این مدت شیپک خان ازبک همانند حاکمان تیموری دست از حمایت هنرمندان برداشت و کارگاه‌های هنری هرات همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دادند (حسن پور، ۱۳۷۷: ۱۷۳) بهزاد نیز از جمله هنرمندانی بود که در این دوران در هرات باقی‌مانده و در خدمت شیپک خان ازبک مقام پراچی پیدا کرده و به خلق آثاری همت گماشت. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۶۳: ۱۱۱/۱) شکل ۲، نگاره‌ی چهره شیپک خان ازبک اثر بهزاد متعلق به همین دوران است. در سال ۹۱۶ ه.ق در طی جنگ مرو که بین محمد شیپانی خان ازبک و شاه اسماعیل صفوی رخ داد، محمد شیپانی کشته و ازبکان در جنگ شکست خوردند (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۳ / ۵۰۴-۵۰۸) و پس از آن صفویان بر هرات مسلط شدند. پس از این جنگ هنرمندان بسیاری از هرات به تبریز انتقال داده شده و یا مهاجرت کردند.

مهاجرت هنرمندان مکتب هرات، آغاز دوره‌ای جدید

مهاجرت هنرمندان به تبریز از انقراض حکومت تیموریان طی چند مرحله صورت گرفت، عده‌ای پس از حملات شیپک خان به هرات از این شهر رخت بر بسته و به تبریز رفتند، عده‌ای دیگر پس از جنگ مرو و با تسلط شاه اسماعیل بر هرات به تبریز انتقال داده شدند و عده‌ای دیگر پس از حملات مجدد و تسلط ازبک‌ها و عبیدالله خان ازبک بر هرات در سال ۹۳۵ هجری قمری به تبریز مهاجرت کردند. بهزاد هنرمند برجسته‌ی دربار تیموریان نیز به مدت چهار سال پس از تصرف شهر توسط شیپانیان در سال ۹۱۳ هجری قمری در هرات باقی ماند و پس از آن به تبریز انتقال داده شد. (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۳۲)



جدول ۱: اظهارات مختلف درباره سال انتقال بهزاد از هرات به تبریز

ردیف	توضیحات	منبع
۱	دقیقاً معلوم نیست که در چه سالی بهزاد و سایر هنرمندان هرات به تبریز منتقل شده‌اند. نظر غالب پژوهندگان به استناد نوشته‌ی مصطفی عالی افندی بر این است که در سال ۹۲۰ ه.ق در جریان جنگ چالدران بهزاد در تبریز بوده است اما فرض دیگری نیز در این مورد وجود دارد و آن اینکه تهماسب میرزا که کودکی اش را در هرات گذراند به هنگام رفتن به تبریز نزد پدرش، استادان هرات و از جمله بهزاد را با خود به تبریز برد.	(اشرفی، ۱۳۶۷: ۹۱)
۲	بهباد به همراه تهماسب [۹۲۸ ه.ق] از هرات به تبریز آمد.	(کنبای، ۱۳۸۷: ۸۱)
۳	[بهباد] در سال ۹۱۶ ه.ق به تبریز آمد.	(کریم زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۰۷)
۴	بهباد در سال ۹۱۶ ه.ق هنوز در هرات بود.	(ولش، ۱۳۸۵: ۶۴)
۵	پس از احضار ولیعهد (تهماسب) به تبریز از سوی پدر احتمالاً بهزاد و دیگر هنرمندان نیز به درخواست شاهزاده‌ی جوان به کارگاه سلطنتی دعوت شدند. در دهه‌ی بیست امکان آمدن نگارگران هرات فراهم آمد.	(اشرفی، ۱۳۸۴: ۳۶)
۶	پس از ۹۳۵ بهزاد و عازم تبریز شدند.	(پاکباز، ۱۳۸۷: ۸۷)
۷	سال ۹۲۸ را سال انتقال بهزاد از هرات می‌داند که فرمان ریاست کتابخانه را صادر کرده است.	(منشی قمی، ۱۳۴: ۱۳۵۲)
۸	در این ایام ۹۲۰ ه.ق بهزاد هنوز در هرات می‌زیست.	(آژند، ۱۳۸۴: ۲۳)
۹	بهباد نیز به مدت چهار سال، پس از تصرف شهر توسط شیانیان در سال ۹۱۳ هجری قمری، در هرات باقی ماند و پس از آن به تبریز انتقال داده شد.	(شایسته فر، ۱۳۲: ۱۳۸۴)



شاه اسماعیل حامی مشتاق و علاقه‌مند به معماری، خوشنویسی، نگارگری و دیگر هنرها بود. اولین اقدام انجام شده توسط او برگرداندن بهزاد به هرات بود. به عبارتی چنین به نظر می‌رسد که پس از پیروزی شاه اسماعیل در جنگ مرو و یا اندکی پس از آن، بهزاد و گروهی از نگارگران و هنرمندان با همراهی و رهبری او به تبریز مهاجرت کرده باشند و در این شهر مکتب نگارگری تبریز را پایه‌گذاری کرده باشند. در این شهر بهزاد بسیار مورد توجه و علاقه‌ی شاه اسماعیل قرار گرفته بود و همین امر باعث شده بود تا شاه جوان، به دلیل جنگ‌های متوالی که بین نیروهای صفوی و ترکان عثمانی صورت می‌گرفت، بسیار نگران سلامتی استاد نگارگر دربار خود باشد، چنانکه مشهور است که در طی جنگ چالدران علیه عثمانی‌ها در سال ۹۲۰ هجری قمری، به دلیل علاقه و توجه فراوانی که شاه اسماعیل به بهزاد داشت، او و خطاط محبوب دربارش، شاه محمود نیشابوری را در مخفیگاهی به منظور مصون ماندن از آسیب جنگ و اینکه مبادا به دست ترکان عثمانی بیافتند، پنهان کرد و پس از جنگ اولین چیزی که شاه اسماعیل جویای آن شد احوال بهزاد بود. (آریان، ۱۳۸۲: ۳۲) همین عوامل سبب شد تا شاه اسماعیل به منظور حفظ بهزاد از آسیب‌های که حکومت نوپای صفوی را، به ویژه از جانب عثمانیان که به تبریز بسیار نزدیک بودند و طی حملات قبلی خود بسیاری از آثار گران‌بهای این شهر و همچنین بسیاری از هنرمندان و نگارگران را به همراه خود برده بودند، تهدید می‌کرد، بهزاد را به هرات انتقال داده باشد. (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۶)

به طور کلی آثار بهزاد را به سه دوره مجزا می‌توان تقسیم کرد: اول دوره‌ای که در دربار سلطان حسین بایقرا به فعالیت مشغول بوده است. دوم دوره‌ی مابین تیموری و صفوی یعنی دوره‌ای که در آن شیانیان و صفویان در کشمکش بودند و سوم دوره‌ای که در آن بهزاد رئیس کتابخانه‌ی سلطنتی در تبریز بوده است و شاگردانی چون قاسم علی را تربیت کرده است (آیت‌اللهی، بی‌تا: ۵۶) از جمله نگاره‌های بهزاد در دوران مابین تیموری و صفوی می‌توان به تک‌چهره‌ی شیبیک خان ازبک اشاره کرد که در سال ۹۱۴ هجری قمری در هرات کشیده شده است و از جمله نگاره‌های معروف این دوران محسوب می‌شود. ظاهراً بهزاد در این دوران یعنی از بازگرداندنش توسط شاه اسماعیل به هرات تا هنگام حکومت یافتن شاه‌تهماسب در هرات، همچنان در این شهر [هرات] باقی‌مانده است.

شاه‌تهماسب در سال ۹۲۰ ه.ق و پس از شکست شاه اسماعیل در جنگ چالدران، در همان سال به دنیا آمد و در سن دوسالگی یعنی در سال ۹۲۲ ه.ق به حکومت هرات منصوب شده و رهسپار این شهر شد. شاه‌تهماسب تا سال ۹۲۸ ه.ق در این شهر باقی ماند و در همین شهر بود که تحت تأثیر فضای هنرپرور



هرات و دربار سلطان حسین بایقرا قرار گرفته و در نزد هنرمندانی چون بهزاد پرورش یافت و به هنر و به ویژه نگارگری بسیار علاقه مند شد و سعی در آموختن این هنر کرد. آنچه در بسیاری از منابع با عنوان علاقه‌ی شاه تهماسب به هنر و به ویژه نگارگری اشاره دارد (روملو، ۱۳۵۷، ۴۸۸/۲؛ منشی قمی، ۱۳۵۲: ۱۳۷)، می‌تواند نشانگر رونق این هنر در این دوران در شهر هرات بوده باشد، به عبارتی شاید بتوان گفت، وجود هنرمندانی چون بهزاد و همچنین شاهزاده‌ی جوان صفوی در هرات و از طرف دیگر انتقال برخی از هنرمندان برجسته چون سلطان محمد به هرات توسط شاه اسماعیل به منظور تعلیم شاهزاده تهماسب میرزا (آژند، ۱۳۸۴: ۲۳)، خود از جمله عوامل رونق هنر نگارگری در هرات دوران صفوی و در آن مقطع زمانی بوده است.

در سال ۹۲۸ هجری قمری شاه تهماسب روانه‌ی تبریز شده و ظاهراً بر اساس اقوال مختلفی که وجود دارد در همین سال است که شاه تهماسب، بهزاد و تعدادی از شاگردان او را دوباره به همراه خود به تبریز برده است. (کنبای، ۱۳۷۸: ۹۷) اگرچه دسته‌ی دیگری از منابع انتقال و یا مهاجرت بهزاد و شاگردانش به تبریز را پس از حمله‌ی عبیدالله خان ازبک در سال ۹۳۵ هجری قمری به هرات و تسخیر آن شهر می‌دانند (پاکباز، ۱۳۸۷: ۸۷) و دسته‌ی دیگری از منابع انتقال بهزاد به تبریز را توسط شاه اسماعیل و پس از جنگ با ازبکان در سال ۹۱۶ ه.ق یا اندکی پس از آن بیان می‌کنند. (بینون و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۰) با این حال رفتن بهزاد از هرات در هرساله‌ی که اتفاق افتاده باشد آنچه اهمیت دارد این است که رفتن او پایان دوران شکوفایی و رونق مکتب هرات می‌باشد و اگرچه حیات هنری این مکتب همچنان ادامه داشت اما آن شکوفایی که در دوران تیموریان داشت را از دست داد.

صفویان و مکتب نگارگری هرات

با اینکه هرات، پس از سقوط تیموریان یک‌چند به دست ازبکان افتاد، همچنان موقعیت فرهنگی و هنری خود را حفظ کرد. کارگاه هنری هرات و به ویژه مکتب نگارگری آن در دوره‌ی ابتدایی صفویان تا مدت طولانی برقرار بوده و بسیاری از هنرمندان تا مدت مدیدی در هرات که همچنان پایتخت مهم ولایتی تحت حکومت تبریز بود باقی ماندند و همچنان به فعالیت خود ادامه دادند. نسخ مصور فراوانی که در این دوران در هرات تهیه شده‌اند خود گواه این امر است.

نسخه‌های مصوری که از این دوران برجای مانده‌اند، به لحاظ سبک نگارگری، تفاوتی آشکار با ساخته‌های کارگاه تبریز دارند. این نسخه‌ها غالباً در هرات و به خط سلطان محمد نور کتابت شده‌اند و دارای کیفیتی در حد نسخه‌های سلطنتی هستند. نسخه‌ی مصور ظفرنامه یکی از ممتازترین آن‌هاست. در صفحه‌ی آخر این



کتاب سلطان محمد نور را خطاط، میر عضد را مذهب و بهزاد را مصور آن معرفی کرده‌اند. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۸۶) تصاویر این نسخه ظفرنامه نشان‌دهنده‌ی اجرای بی‌نقص آن‌ها توسط هنرمند و نگارگر کارآزموده‌ای است، اما در صحت آن‌ها به بهزاد تردید وجود دارد. سبک نگارگری این ظفرنامه با ویژگی‌هایی چون طراحی قوی، رنگ‌های جاندار و ترکیب‌بندی شلوغ ولی به سامان مشخص می‌شود. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۶) نحوه‌ی بازنمایی صخره‌ها، درختان و ابرهای پیچان در برخی از نگاره‌ها تمایز آن را با سبک بهزاد نشان می‌دهد. به‌طورکلی نگاره‌های این نسخه در مقایسه با آثار عهد سلطان حسین بایقرا روحیه‌ی شاداب‌تری را نشان می‌دهند که احتمالاً از سلیقه‌ی حامی جدید ناشی شده است.

هرات در اواخر دوران شاه اسماعیل اول و اوایل سلطنت شاه تهماسب، مرکز اصلی کتاب‌نگاری صفویان بوده است. بهزاد در آن سال‌ها هنوز در هرات اقامت داشته و کارگاه هنری این شهر را اداره می‌کرده است. (بینون و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۹۰) نسخه‌هایی چون ظفرنامه یادشده و خمسه‌ی نظامی (۹۳۱ ه.ق) زیر نظر او و با همکاری شاگردانی چون قاسم علی و شیخ‌زاده تصویر شده‌اند. همچنین این فرضیه پنداشته می‌شود که با توجه به اختلاف قلمی که در شاهنامه‌ی تهماسبی وجود دارد، برخی از نگاره‌های آن در کارگاه هنری هرات مصور شده باشند و حتی برخی از نگاره‌های آن را به بهزاد نسبت داده و یا معتقدند که تحت نظر او تدوین و مصور شده‌اند. با این‌وجود نگاره‌های این اثر سترگ توسط نگارگران برجسته‌ای مصور شده که یا به‌طور مستقیم شاگرد بهزاد بوده‌اند و یا سخت تحت تأثیر این نگارگر توانا قرار داشته‌اند. مکتب هنری هرات پس از انتقال بهزاد و برخی شاگردانش به تبریز همچنان به فعالیت هنری خود ادامه داده است.

در قرن دهم هجری، تمایز کاملی بین سبک‌های نگارگری قسمت‌های مختلف امپراتوری ایران وجود نداشت. هنرمندان دربار شیوه‌ی خاصی را رایج کردند و اگرچه آثاری از سبک‌های ولایتی برجای مانده، ولی تفاوت اندکی بین آثار شرق و غرب ایران دیده نمی‌شود. به‌ویژه مکتب هرات، تقریباً در اوایل این قرن تا حد زیادی در شیوه‌ی حاکم مستحیل می‌شود و با اینکه در تصاویر برخی کتب سبک خراسانی ادامه می‌یابد اما تفاوت‌ها بسیار اندک شده و یکی از شاخصه‌های اصلی این دوران که نشان‌دهنده نگارگری عصر صفوی می‌باشد، یعنی وجود کلاه‌های قزلباش، وجه مشترک تمام نگاره‌های این دوران می‌شود. (شکل ۳) هرات به سبب اهمیت جغرافیایی و سیاسی، اهمیت خود را در طول ثلث اول قرن دهم هجری حفظ کرد. (بینون و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۹۰) تهماسب و برادرش سام میرزا یکی پس از دیگری به حکومت هرات منصوب گشتند. انتصاب شاهزادگان صفوی در سمت والی استان شرقی باوجود تهاجمات، غارت‌گری‌ها و مزاحمت‌های ازبکان مدت‌های طولانی پس از آن ادامه یافت. (ترکمان، ۱۳۳۴: ۱۵۱/۱)



یکی از عالی‌ترین نسخ این دوره، نسخه‌ی نفیسی از دیوان امیرعلیشیر نوایی در کتابخانه‌ی ملی پاریس است که تهیه‌ی آن در هرات به سال ۹۳۳ ه.ق به پایان رسیده است. این نقاشی‌ها بی‌امضاء هستند ولی حداقل تعدادی از آن‌ها کار شاگردان بهزاد می‌باشند. این دیوان به زبان ترکی جغتایی است. علی‌هجرانی در سال ۹۳۳ ه.ق آن را کتابت کرده و در بردارنده شش مجلس نفیس می‌باشد که در مکتب هرات صفوی و در کارگاه سلطنتی آن مصور شده است. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۸۸) تعداد آثار منسوب به شیخ‌زاده را در این اثر پنج عدد می‌دانند و گرچه برخی معتقدند که سلطان محمد تبریزی نیز در مصورسازی آن دخیل بوده، اما این تنها یک حدس و گمان است و صحت ندارد و تنها بر اساس شباهت‌هایی که بین سبک این دو نقاش وجود داشته این اختلاف و اشتباه صورت گرفته است. هم تجلید و هم مصورسازی اثر به شیوه‌ی هراتی صورت گرفته و پنج اثر از شش اثر آن به شیخ‌زاده منسوب است که بیش از همه پیرو سبک بهزاد بوده است. شیخ‌زاده بیش از همه استاد ترکیب رنگ‌های متضاد، ریتم و طرح‌های اسلیمی بود و نزد او تناسبات و منحنی‌ها و زاویه‌های ظریفانه درهم تنیده، معنایی بیش از رفتار آدم‌ها داشتند. در نگاره‌های این اثر نیز تأثیر سبک نگارگری صفوی را بر این هنر می‌توان مشاهده کرد چنانکه در بسیاری از نگاره‌های این اثر کلاه قزلباش را که نماد نگارگری اوایل صفوی می‌باشد را می‌توان دید. (بینون و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۷)

پس از اینکه شاه‌تھماسب در سال ۹۲۸ هجری قمری از هرات به تبریز آمد، حکومت این ولایت به سام میرزا برادر دیگر شاه‌تھماسب سپرده شد. شاهزاده‌ی صفوی نیز مانند حاکمان هنرپرور تیموری به حمایت و تشویق فنون و انواع هنرها پرداخته و همچنان این شهر اهمیت خود را حفظ کرد. سام میرزا به همراه اتابک خود، حسین خان شاملو، به هرات رفته و در آن شهر حکومت یافت. در طی حملات عبیدالله خان ازبک در سال ۹۳۵ هجری قمری، سام میرزا فرار کرده و شهر به دست ازبکان افتاد. (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۳۴: ۶۲/۱) در طی همین حمله بود که خان ازبک گروهی از هنرمندان هرات را با خود به بخارا برد. انتقال هنرمندان نگارگر در این دوران به بخارا خود دلیلی بر رواج و تداوم هنر نگارگری تا این زمان در هرات بوده است.

چنان‌که گفته شد حسین خان شاملو همراهی و لگگی سام میرزا شاهزاده‌ی صفوی را بر عهده داشت. این امر باعث قدرت‌گیری طایفه‌ی شاملو در خراسان شده بود. پس از آن که امیران شاملو حکومت خراسان را به دست گرفتند، تحولی در نگارگری هرات پدید آمد. در بهترین نسخه‌های مصوری که به سفارش این امیران تدوین شده‌اند، بازگشت به معیارهای درباری مکتب سده‌ی نهم هجری هرات قابل‌تشخیص است. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۱۵) در نیمه‌ی دوم سده‌ی دهم هجری، کارگاه‌های موجود در هرات و برخی شهرهای خاوری خراسان نیز، فعالیت‌ی قابل‌ملاحظه داشتند. نسخه‌های مصور ساخت این کارگاه‌ها عمدتاً به هند و بخارا صادر



می شدند. چنانکه تلفیقی از سبک درباری مشهد (تحت حمایت ابراهیم میرزا) و شیوه‌ی طراحی محمدی را در تصاویر نسخه‌های مکتب هرات در این دوران می‌توان مشاهده کرد. در این نگاره‌ها زینت کاری بناها و لباس‌ها به حداقل رسیده، و منظره نیز بسیار ساده است. گهگاه رنگ‌های غیرمعمول سبز زیتونی و آبی بی‌رمق در آن‌ها به‌کار رفته است.

با این وجود آنچه در این دوران به عنوان هنر نگارگری در هرات رواج داشت، را نمی‌توان به عنوان مکتب هنری دانست، زیرا یک مکتب هنری دارای شاخصه‌ها و ویژگی و مختصات خاص خود می‌باشد و این ویژگی‌ها را در هنر نگارگری هرات صفوی نمی‌توان دید. هرات دوران صفوی به دلیل کشمکش‌ها و جنگ‌های بسیار زیاد بین دو حکومت صفوی و ازبکان چندان روی آرامش نمی‌دید و امنیت که یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن سازی بود، در این شهر وجود نداشت و همین امر خود دلیلی بر عدم رشد و پیشرفت هنر و به ویژه هنر نگارگری در این شهر در دوران صفوی شد. از طرف دیگر وجود مکتب هنری تبریز به عنوان پایتخت و به ویژه انتقال این مکتب به مشهد در دوران بعد، از جمله عوامل از رونق افتادن هر چه بیشتر مکتب هرات شد. هنرستان هرات پس از حملات مکرر ازبکان در حمله‌ای که به سال ۹۴۲ ه.ق روی داد و به ویرانی شهر انجامید، رو به افول گذاشت و اعتبار خود را به کلی از دست داد. (تجویدی، ۱۳۵۲: ۱۶۱)

مکتب نگارگری بخارا، تدوام مکتب نگارگری هرات

مخاصمه‌ی صفویان و ازبکان شیبانی باعث شد که نگارگری ماوراءالنهر در خارج از حوزه‌ی نفوذ هرات تحول یابد. این تحول باعث شد تا در اوایل سده‌ی دهم هجری، یک سبک بومی با اندک تأثیراتی از سبک سمرقند عهد تیموریان در ماوراءالنهر رخ نماید. این حرکت از زمانی آغاز شد که عبیدالله خان ازبک در پی تصرف هرات شماری از هنرمندان و صنعتگران هرات را به پایتخت خود در بخارا فرستاد (۹۳۵ ه.ق).

بخارا که در سال ۹۰۵ ه.ق به تصرف ازبک‌ها درآمده بود، تا سال ۹۱۵ ه.ق در اختیار آنان بود، تا اینکه در این سال، شاه اسماعیل صفوی، محمدشیبانی خان را به قتل رساند و شهر را از تسلط آنان خارج کرد، ولی از سال ۹۱۷ ه.ق عبیدالله خان، به نفع ازبک‌ها بر شهر استیلا یافت و تا سده‌ی بیستم کم‌وبیش این شهر در دست ازبک‌ها بود. (کنبای، ۱۳۷۸: ۸۸) بخارا در روزگار جانشینان تیمور و همچنین در دوران شیبانیان از جمله مراکزی بود که رابطه‌ی مستقیمی از نظر هنر نگارگری با مکاتب نگارگری ایران داشت و با این که در این زمان بیشتر هنر شرق و خاور دور در شهرهایی مانند سمرقند رواج داشت، اما در بخارا نگاره‌هایی تولید می‌شد که کمتر به سبک‌های خاور دور متکی بودند و بیشتر ویژگی و ماهیت اسلامی داشتند. (کونل، ۱۳۷۸: ۹۸)



همین ماهیت اسلامی نگارگری در مکتب بخارا سبب شد تا پس از فروپاشی تیموریان بسیاری از هنرمندان نگارگر مکتب هرات جذب مکتب بخارا شوند و در آن مکتب هنر خود را عرضه و ارائه کنند و حاکمان شییبانی نیز به حمایت از آنان بپردازند. به عبارتی حاکمان شییبانی به نوعی حمایت هنری مشابه تیموریان، از نقطه نظر فرهنگی، از هنرمندان می پرداختند و محمدخان شییبانی در درجه‌ی مشابهی با برجسته‌ترین حاکمان تیموری قرار داشت. او خودش را از نظر ارزش هم‌پایه‌ی انساب تیموریان علاقه‌مند به فرهنگ ایرانی نشان داد. علاقه و توجه او به هنر باعث شد تا او خودش را با هنرمندان ایرانی به‌ویژه طی دوسالی که بر هرات تسلط داشت احاطه کند، چنانکه در میان آن‌ها بهزاد نیز قرار داشت. (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۶)

روند مهاجرت و انتقال هنرمندان هرات به بخارا تا سال ۹۴۵ ه.ق که بار دیگر هرات توسط ازبکان مورد حمله قرار گرفت همچنان ادامه داشت. از حکمرانان مشهور این سلسله می‌توان علاوه بر شییبانی خان که مؤسس این سلسله بود به عبدالعزیز، یارمحمد و عبیدالله خان اشاره کرد که در میان آنان عبیدالله خان به هنر و به‌ویژه نگارگری و کتاب‌سازی علاقه فراوانی داشت و از هنرمندان حمایت‌های زیادی می‌کرد و هم‌و در طی حملات مکرر خود به هرات تعداد دیگری از هنرمندان نگارگر را به بخارا انتقال داد.

اگرچه دیوان‌های مصوری که برای شییبانی خان تهیه‌شده‌اند متأثر از مکتب شیراز است، ولی تا سال ۹۲۶ ه.ق نفوذ مکتب هرات و سبک کمال‌الدین بهزاد بر آن غالب شده و این مکتب را به شدت تحت تأثیر قرارداد. در یکی از نگاره‌های خمسه امیر خسرو دهلوی تأثیر مکتب هرات بر نگاره‌های مکتب بخارا کاملاً آشکار است. اندام و فضا در نهایت دقت تصویر شده است و کیفیت اجرای اندام‌ها یادآور شیوه‌ی سبک بهزاد است. (کنبای، ۱۳۷۸: ۸۹)

یکی از نخستین نسخ تولیدشده در بخارا خمسه‌ی نوایی است که اکنون در کتابخانه‌ی عمومی لنین‌گراد نگهداری می‌شود و اغلب نگاره‌های موجود در آن دارای سبک کهن نیمه‌ی قرن نهم هجری هستند. اما در یکی از نگاره‌های آن یعنی نگاره‌ی «مجنون به همراه حیوانات وحشی بیابان» می‌توان نفوذ مکتب متأخر هرات را مشاهده کرد. چهار نگاره‌ی نسخه‌ی مهر و مشتری که از جمله نسخ ارزشمند مکتب بخارا است، و اکنون در گالری هنر فریر واشنگتن نگهداری می‌شود، بسیار کامل و پیشرفته هستند. این نگاره‌ها نمایشگر تمایل به سبکی ساده و غیر ساختاری‌اند که از جمله خصوصیات این نگاره‌ها و کتب به شمار می‌رود و رنگ‌پردازی کم‌مایه و روشن هرات در آن‌ها حفظ شده است (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۳۴۳)

از میان نقاشانی که کارگاه خودشان را از هرات به تختگاه شییبانی‌ها منتقل کردند، محمود مذهب است که در دربار سلطان حسین بایقرا کار می‌کرد و نگاره‌های او در مکتب بخارا را از طریق تعداد عظیمی از آثار رقم دار



وی می‌توان شناخت و ظاهراً این فرد همان سلطان محمود بخارایی است که عالی افندی مورخ ترک او را از جمله شاگردان میرعلی هروی می‌داند. (افندی، ۱۳۶۹: ۱۰۴) تأثیر بهزاد و مکتب هرات بر مکتب بخارا را از آثار اولیه‌ی محمود مذهب می‌توان دید که در آن‌ها از هر نظر دنباله‌رو بهزاد است، چنانکه در دو تصویر ریزنقش از دیوانی که یکی از آن‌ها رقم محمود را دارد، تأثیرپذیری وی از بهزاد را به‌طور آشکار می‌توان دید چراکه در این آثار پیوند نزدیکی از نظر ترکیب‌بندی و پس‌زمینه‌ی معماری و تیپ و حالات پیکره‌ها با آثار بهزاد دیده می‌شود. این آثار نشان‌دهنده‌ی آن است که این هنرمند پس از سقوط هرات و احتمالاً پس از انتقال بهزاد به تبریز به بخارا رفته باشد و در آنجا سبکی تلفیقی را به نمایش گذاشته است. به‌کارگیری راقمه "صوره العبد محمود المذهب" که توسط بهزاد در امضای نگاره‌هایش به کار گرفته می‌شد، نشان از تأثیر بهزاد بر این هنرمند دارد اما به‌رغم تأثیرپذیری‌های غیرقابل‌انکار او از بهزاد، سبک آن نشانگر استقلال بیشتری نسبت به سبک آثار قاسمعلی شاگرد دیگر بهزاد است. به عبارتی در این زمان سبک هرات در بخارا و توسط هنرمندان مکتب هرات نمود پیدا کرد.

این هنرمند آثار زیادی از جمله تحفه‌الابرار جامی و خمسه نظامی که در سال ۹۵۲ ه.ق و برای عبدالعزیز شیبانی در بخارا مصور شده و دارای کیفیت والای هنری است و همچنین نسخه‌ی بوستان سعدی که در سال ۹۶۳ ه.ق و برای احمدشیبانی تهیه شده و شامل چندین نگاره می‌باشد که یقیناً از آن محمود مذهب هستند و همچنین چندین تک‌نگاره که رقم محمود مذهب را دارا است، مصور کرده است. این خیل عظیم آثار این نگارگر مکتب هرات نشان از موقعیت و جایگاه والای این هنرمند در دربار شیبانیان و تأثیر او بر مکتب هنری بخارا دارد. (کونل، ۱۳۷۸: ۱۰۲) عبدالله خراسانی که به "مذهب" و "مصور" معروف بوده است و از نگارگران برجسته‌ی مکتب بخارا به شمار می‌رود، از شاگردان باواسطه‌ی بهزاد و مکتب هرات تیموری بوده است که همچون محمود مذهب از هرات به بخارا رفته بود. او دارای چندین نگاره‌ی کتاب و نگاره‌ی مستقلی می‌باشد و گفته شده که در آغاز در خدمت سلطان ابراهیم میرزا بوده است. این نگارگر بیشتر به تقابل بین جامه‌های کاملاً تزئین شده و کاملاً ساده علاقه‌مند بوده است، نگاره‌های او ترکیب‌بندی ساده‌ای دارند ولی از لحاظ رنگ آثار استادان مکتب هرات را به یاد می‌آورند. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۱۹). این دو نگارگر از شناخته‌شده‌ترین نگارگران مکتب هرات هستند که به مکتب بخارا راه‌یافته‌اند و بر آن تأثیر گذاشته و تا حدودی سبک مکتب هرات و دستاوردهای کمال‌الدین بهزاد را به بخارا برده و در کارگاه هنری شیبانیان و تحت حمایت‌های عبیدالله خان و عبدالعزیز، پسر و جانشین او، تداوم بخشیدند و در آنجا نسلی از هنرمندان بومی را پروردند که در آثارشان تأثیر مکتب هرات نمایان بود.



به طور کلی بسیاری از کارگزاران فرهنگ در هرات پس از فروپاشی تیموریان به بخارا دعوت و یا فرستاده شدند و سپس همکاری نزدیک استادان محلی با آنان، هنر نو مایه‌ای را پدید آورد که سبب معروفیت مکتب بخارا در سده‌ی دهم شد. از جمله ویژگی‌های این مکتب که با وجود سبک سنتی نگاره‌ها، ویژگی و گیرایی خاص خود را داشت، ترکیب‌بندی‌های نگاره‌ها است که در آن ترکیب‌ها اغلب ساختاری افقی دارند و طرز قرار گرفتن اندام‌ها در آن از این نظام پیروی می‌کنند و تا حدی مبتنی بر ساده کردن کلی قواعد کهن‌تر و کاربرد بیش از حد رنگ‌های خالص بود. (بینون و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۲)

خصوصیاتی از قبیل غنی بودن و خلوص رنگ‌ها که بیشتر به کارگیری جزئیات و استفاده از شکل‌های ساده، پیکره‌های کوتاه‌قد و تنومند که تأثیر مکتب هرات و سبک بهزاد را در طراحی، رنگ‌ها و در حالات و حرکات آنان آشکارا می‌توان دید، و ساختمان‌هایی که از روبه‌رو نمایش داده می‌شوند همه از جمله خصوصیات مکتب بخارا محسوب می‌شدند. افزون بر آن نگارگران مکتب بخارا به تک‌نگاره‌ها نیز توجه داشتند که اغلب نگاره‌هایی از این دست، دارای جدول‌کشی محرابی شکل به همراه تذهیب است. رنگ‌ها در این قبیل اثر درخشان و زمینه‌ی تذهیب آن‌ها اغلب تیره است. (کنبای، ۱۳۷۸: ۸۹) اهمیت دادن به وجود و حضور یک فرد خاص در نقاشی و همچنین شباهت سازی از دیگر خصوصیات نگاره‌های این مکتب بوده است. اهمیت مکتب بخارا در این است که نگاره‌های آن در شکل‌گیری مکتب نگارگری مغولی هند تأثیر داشته‌اند و آینه‌ای از مکتب نگارگری هرات در این دوران می‌باشد.

بهترین دوران این مکتب در زمان عبدالعزیز (۹۴۶-۹۵۵ ه.ق) و یار محمد (۹۶۴-۹۵۷ ه.ق) بوده است. عبدالعزیز بهادر از حامیان برجسته‌ی هنر نگارگری و کتابت بود و نسخه‌های سلطان حسین بایقرا را به نحو خاصی تحسین می‌کرد. وی نگاره‌هایی را برای افزودن به نسخ نوشته‌شده به دست خوشنویسان پیشرو هرات و نیز کتاب‌های کاملاً جدیدی با کیفیت عالی و تزئینات بسیار با حواشی طلایی همچون بوستان سعدی را که میرعلی هروی از جمله خوشنویسان مکتب هرات، برای او به رشته‌ی تحریر درآورده بود، سفارش داد که چند نگاره از این نسخه دارای امضای محمود مذهب و عبدالله است. نقاشی بخارا پس از مرگ عبدالعزیز دچار دوره‌ای از یکنواختی شد، رنگ‌آمیزی خاص بهزاد باقی ماند ولی طراحی‌ها همچنان خام‌دستانه و بی‌تجربه و ترکیب‌بندی‌هایش پیش‌پاافتاده بود. بدین ترتیب نقاشان مکتب بخارا برای دوندن سنت مکتب هرات زمان سلطان حسین را حفظ کردند. (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۳۴۴)

نتیجه گیری

مکتب نگارگری هرات در دوران تیموریان به واسطه‌ی پادشاهان هنر دوست این مکتب به عنوان حامیان هنر، رشد و پیشرفت زیادی کرد به طوری که این دوران را به عنوان رنسانس اسلامی در زمینه علم و فرهنگ و هنر می‌دانند. هنرهای کتابسازی و نگارگری در این دوران رشد بسیاری یافت و این هنر پس از انقراض حکومت تیموری به واسطه‌ی بهزاد به حکومت صفویان انتقال یافت. هرات پس از تیموریان و در دوران استیلا‌ی صفویان آگه چه رونق گذشته خود را به دلیل کشمکش‌های بسیار زیاد بین دو حکومت نوپای ازبکان و صفویان، ویرانی‌ها و غارت‌ها و از دست دادن مرکزیت سیاسی، ازدست داد اما حیات فرهنگی آن به ویژه در زمینه نگارگری همچنان تا مدت‌ها حفظ شد. نگارگران کارگاه سلطان حسین هر کدام، مرکزی را برای عرضه هنر خود انتخاب کرده و بر این اساس عده‌ای به تبریز و عده‌ای به بخارا رفته و گروهی در هرات باقی ماندند و به فعالیت خود ادامه دادند.

هرات در دوران صفوی و تا دهه پنجاه قرن دهم هجری همچنان موجودیت خود را حفظ کرده و وجود شاهزادگان هنردوست همچون تهماسب میرزا و سام میرزا باعث رونق گرفتن هر چه بیشتر هنر نگارگری در هرات این دوران شد. شاید اوج هنر نگارگری هرات در دوران صفوی را در دوران حضور شاه تهماسب در این شهر دانست که استادانی همچون سلطان محمد و بهزاد و کسان دیگر برای آموزش او در این شهر جمع شدند. در این دوران نسخه‌های زیادی تولید نشدند و اگر هم تولید شده باشد به دلیل حمله‌های پی در پی ازبکان یا از بین رفته و یا به غارت برده شده است. به طور کلی می‌توان گفت به دلیل عدم وجود یکی از اساسی‌ترین عوامل شکل‌گیری هنر و فرهنگ که همانا امنیت و آرامش بوده است، هنر نگارگری در هرات دوران صفوی رشد و پیشرفت چندانی نداشته و به طور کلی نمی‌توان آن را به عنوان یک مکتب هنری در دوران صفوی، که شاخصه‌های اصلی آن داشتن امتیازات و ویژگی‌های مختص به خود است، دانست. آثار این مکتب را در یک یا دو اثر که در انتساب آن‌ها به این مکتب نیز تردید وجود دارد می‌توان خلاصه کرد. وجود کارگاه هنری تبریز در شرق و پس از آن کارگاه هنری مشهد از جمله عوامل اصلی در، از رونق افتادن مکتب هرات این دوران بوده‌اند که سرانجام در اواسط حکومت صفوی این مکتب به طور کلی از رونق افتاد و در مکاتب دیگر پیگیری شد.

منابع

آریان، قمر (۱۳۸۲). کمال‌الدین بهزاد، تهران: هیرمند، چ ۳.



- آژند، یعقوب (۱۳۸۴). سیمای سلطان محمد نقاش، تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۴). مکتب نگارگری تبریز-قزوین و مشهد، تهران: فرهنگستان هنر.
- آیت اللهی، حبیب الله و رؤیا غلام حسنی (بی تا). شکل و رنگ در مکتب هرات، مجله هنرهای تجسمی، ش ۲۰.
- اسکندر بیک ترکمان (۱۳۳۴). تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۱ و ۴، تهران: امیر کبیر.
- اشرفی، م. مقدم (۱۳۶۷). همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، تهران: انتشارات نگاه.
- ارنست کونل (۱۳۸۴). هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: توس.
- بینون، لورنس و بازیل گری و ج. و. س. ویلکینسون (۱۳۶۷). سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ترجمه محمد ایرانمنش، تهران: امیرکبیر.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۷). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: انتشارات زرین و سیمین، ج ۷.
- تجویدی، اکبر (۱۳۵۲). نقاشی ایران از کهن ترین روزگار تا دوران صفویان، تهران: اداره کل وزارت فرهنگ و هنر.
- جکسون، پیتر و لورنس لاکهارت [ویراستاران] (۱۳۹۰). تاریخ ایران کمبریج، ترجمه تیمور قادری، ج ۶، تهران: مهتاب، چ ۲.
- حسن پور، محسن (۱۳۷۷). چگونگی پارادایم شدن مکتب هرات، مجله هنرهای تجسمی، سال اول، ش. دوم.
- خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۳۳). حبیب السیر، ج ۴، تهران: خیام.
- رابینسون، ب. و (۱۳۶۷). هنر نگارگری ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- شایسته فر، مهناز (۱۳۷۸)، آثار و نسخه های خطی مکتب بخارا، فصلنامه هنر، شماره ۸.
- _____ (۱۳۸۴). عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه نگاری تیموریان و صفویان، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹). مناقب هنروران، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: سروش.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۳). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، ج ۱، لندن.
- کنبای، شیلار (۱۳۸۷). نقاشی ایران، ترجمه ی مهدی حسینی، تهران: دانشگاه هنر.

کونل، ارنست (۱۳۷۸). سیر و صور نقاشی ایران، زیر نظر آرتور ایهام پوپ، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

منشی قمی، قاضی احمد (۱۳۵۲). گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چ ۲، تهران: کتابخانه‌ی منوچهر.

میرجعفری، حسین (۱۳۸۷). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، چ ۷.

نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد (۱۳۸۹). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ایران در دوره‌ی صفوی، تهران: سمت، چ ۶.

ولش، آنتونی (۱۳۸۵). نگارگری و حامیان صفوی، ترجمه روح الله رجبی، تهران: فرهنگستان هنر.





شکل ۱: ساخت کاخ خورنق، اثر بهزاد، مکتب هرات تیموری



شکل ۲: چهره شیبک خان ازبک، اثر بهزاد، هرات پس از انقراض تیموریان.



شکل ۳: فکندن عاشق پیر از بام توسط جوان، هفت اورنگ جامی، مکتب مشهد عصر صفوی، تغییر در پوشش سر در نگاره‌های این دوران.